شبهه‌شناسی
گفتمان سازی
و پاسخ‌گوئی
روزهای حماسه
دفاع مقدس

ویژه‌نامه
چندرسانه‌ای
ماهنامه شبهات

۱۱۷

نسخه پایان جنگ

شبهه: آیا صلح شرافتمندانه؛ عقب نشینی تاکتیکی، توافق برای بقا و رفراندم جنگ، راه کارهای مقبولی برای پایان جنگ نیستند؟



در شرایطی که آمریکا با همه ادعاهای ابرقدرتی خود در تحقق اهداف نظامی و سیاسی خود در مواجهه با ایران با چالش روبه‌رو شده و بحران تنگه هرمز، اقتصاد و موقعیت راهبردی آن را تحت فشار قرار داده است، برخی چهره‌های سیاسی هر یک با تعبیری متفاوت، راه پایان جنگ را در امتیازدهی و عقب‌نشینی جست‌وجو می‌کنند؛ یکی از «صلح شرافتمندانه» می‌گوید، دیگری خواستار به همه‌پرسی گذاشتن ادامه جنگ است، آن یکی هر توافقی را برای بقای کشور ضروری می‌داند و دیگری از «عقب‌نشینی تاکتیکی» سخن می‌گوید. نکته تلخ و طنز آن است که همه این راه کارها و توصیه‌ها در حالی مطرح می‌شوند که تجاوز آمریکا، به شهادت بالاترین شخصیت کشور و مرجعی دینی منجر شده، جمعی زیادی از فرماندهان عالی رتبه و مسئولان ارشد کشور شهید شده اند، دانش آموزان معصوم میناب و لامرد و دیگر زنان و مردان ایران به خاک و خون کشیده شده اند؛ دشمن از نابودی تمدن ایران سخن گفته، تهدید به از بین بردن زیرساخت ها کرده و ... ده ها بلکه صدها جنایتی که مرتکب شده است.

پرسش اصلی از طراحان این ایده ها این است: آیا قرار است متجاوز به دلیل تجاوز خود هزینه بدهد یا ایران برای متوقف کردن تجاوز، بار دیگر به امتیازدهی وادار شود؟ چرا به‌جای مطالبه پاسخ‌گویی متجاوز، باید برای ملت ایران نسخه عقب‌نشینی پیچید؟

وقتی دشمن از تسلیم بی‌قیدوشرط سخن می‌گوید، صرف استفاده از واژه «صلح» ماهیت خواسته‌هایش را تغییر نمی‌دهد. این صلح دیگر «شرافتمندانه» نیست بلکه تسلیم در برابر زیاده‌خواهی است. ایران پیش از جنگ نیز مسیر مذاکره و توافق را آزموده بود، اما حمله در میانه روند دیپلماتیک نشان داد که مذاکره، بدون تضمین معتبر و بازدارندگی مؤثر، به‌تنهایی مانع تجاوز نمی‌شود. پیشنهاد همه‌پرسی درباره ادامه جنگ، آن هم در میانه تجاوز دشمن، بیش از آنکه راه‌حلی برای بحران باشد، عقب‌نشینی از مسئولیت دفاع از کشور است. وقتی دشمن به دنبال تحمیل اراده خود است، به رأی گذاشتن اصل ایستادگی چه نسبتی با تدبیر و شجاعت دارد؟ چنین رویکردی بیش از آنکه نشانه واقع‌بینی باشد، بوی وادادگی در برابر فشار دشمن و بزدلی طراحان آن را می‌دهد؛ چراکه هیچ انسان عاقل، شجاع و باغیرتی برای دفاع از کیان خود، تردید ندارد.

نسخه «عقب‌نشینی تاکتیکی» هم با پرسشی روشن روبه‌روست: عقب‌نشینی از چه موضعی، تا کجا و در برابر چه دستاوردی؟ عقب‌نشینی زمانی تاکتیک محسوب می‌شود که هدفی روشن و نتیجه‌ای قابل سنجش داشته باشد؛ وگرنه ممکن است به امتیازی یک‌طرفه تبدیل شود که طرف مقابل را به مطالبه بیشتر تشویق کند. آن هم در شرایطی که اهمیت راهبردی تنگه هرمز و ایستادگی ایران، محاسبات آمریکا را با چالش روبه‌رو کرده است.

همه این پیشنهادات در حالی ارائه شده است که تحلیل ها ی مختلف رسانه‌های بین المللی از جمله رسانه های آمریکایی، اذعان به این مطلب دارند که نباید قدرت ایران و پیامدهای راهبردی این رویارویی را دست‌کم گرفت. تصویر ایرانِ ناتوان و ناگزیر از پذیرش هر توافقی، با واقعیت ملتی که هزینه‌های سنگینی برای استقلال خود پرداخته و در برابر فشارها ایستاده، سازگار نیست. قدرت‌های بزرگ نیز در برابر اراده ملت‌ها و محدودیت‌های راهبردی شکست‌ناپذیر نیستند.

ملت ایران به نسخه‌های رنگارنگ تسلیم نیاز ندارد. همان‌گونه که رهبر شهیدمان در دیدار مردم آذربایجان شرقی در ۲۸ بهمن ۱۴۰۴ تأکید کردند، «ملت ایران درسهای اسلامی و شیعی خودش را خوب بلد است. می داند که چه کار کند. امام حسین (علیه السّلام) فرمود: مِثلی لا یُبایِعُ مِثلَ یَزید؛ کسی مثل من، با کسی مثل یزید بیعت نمی کند. ملت ایران در واقع می گویند: ملّتی مثل ما، با این فرهنگ، با این سابقه، با این معارف عالی، با سردمدارانی مثل افراد فاسدی که امروز در آمریکا بر سر کارند، بیعت نخواهد کرد.»

پایان جنگ باید با حفظ استقلال، تأمین امنیت و جلوگیری از تکرار تجاوز همراه باشد؛ نه با امتیازدهی یک‌جانبه به متجاوز. صلح پایدار زمانی معنا دارد که تجاوز هزینه داشته باشد و امنیت ایران به اراده و زیاده‌خواهی دشمن گره نخورد.